

بررسی ویژگی‌های شخصیتی طراحان صنعتی بر اساس مدل MBTI

چکیده

طراحی صنعتی حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است که با ترکیب عناصر هنر، فناوری و تفکر انسان‌محور، به خلق محصولات می‌پردازد. هدف این پژوهش، بررسی ارتباط میان تیپ‌های شخصیتی بر اساس مدل MBTI و مسیر حرفه‌ای در طراحی صنعتی است. مطالعه در دو مرحله انجام شد: در مرحله نخست، پرسشنامه MBTI در اختیار ۳۸۵ نفر از دانشجویان و دانش‌آموختگان طراحی صنعتی قرار گرفت. در مرحله دوم، مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با شرکت‌کنندگانی که در حوزه طراحی صنعتی اشتغال فعال داشتند، انجام گرفت تا ابعاد کیفی نتایج تکمیل شود. یافته‌ها نشان داد که در نمونه دانشجویی، الگوی غالب شامل تیپ‌های خلاق‌محور مانند ENFP، INFP و INFJ بود. تحلیل مرحله دوم نشان داد که در میان افراد شاغل، الگوی شخصیتی تغییر می‌کند و تیپ‌های INTJ و ISTJ بیشترین حضور را داشتند. این تفاوت نشان می‌دهد که گرچه ورود اولیه به رشته ممکن است با شخصیت‌های شهودی و الهام‌محور صورت گیرد، اما تداوم شغلی در این حوزه به مهارت‌های ساختاردهی، سازگاری با محدودیت‌های صنعتی و تصمیم‌گیری عملیاتی وابسته است. تحلیل مصاحبه‌ها نیز تأیید کرد که محیط‌های شغلی طراحی صنعتی اغلب خواستار ویژگی‌هایی مانند نظم، پیگیری، مدیریت زمان و توانایی مواجهه با بازخوردهای فنی هستند. این یافته‌ها اهمیت بازنگری در مدل آموزش طراحی صنعتی را برجسته می‌سازد تا بتوان مسیر حرفه‌ای سازگار با تفاوت‌های فردی طراحان ایجاد کرد.

واژه‌های کلیدی: تیپ شخصیتی، طراح، MBTI، طراحی صنعتی، فعالیت حرفه‌ای

مقدمه

طراحی صنعتی فرآیندی خلاقانه است که هدف آن ارتقاء کیفیت زندگی انسان از طریق طراحی و بهینه‌سازی محصولات، سیستم‌ها و خدمات است (Baxter, 2018). اهمیت این رشته در صنعت امروزی نه تنها به دلیل خلق ارزش اقتصادی، بلکه به دلیل تقویت نوآوری، برندینگ و پاسخ‌گویی به نیازهای روان‌شناختی و فرهنگی کاربران برجسته شده است. دانشجویان طراحی صنعتی در فرآیند تحصیل خود با مسائلی نظیر حل مسئله، ایده‌پردازی، طراحی تعاملی و تفکر خلاق روبه‌رو هستند (Lawson, 2006). این فرایندها نیازمند ترکیبی از توانایی‌های شناختی، احساسی، و رفتاری خاصی هستند که با ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها در ارتباط هستند.

شناخت ابعاد شخصیتی افراد نقش اساسی در شکل‌دهی به تعاملات اجتماعی و حرفه‌ای آن‌ها و همچنین دستیابی به موفقیت و رضایتمندی در طول زندگی دارد (Kang et al., 2023). از سوی دیگر، سازمان‌ها با توجه به پروفایل شخصیتی کارکنان می‌توانند فرآیند استخدام و تخصیص وظایف را بهینه‌سازی کنند و با شناسایی نقاط قوت و ضعف افراد، عملکرد تیمی و رضایت شغلی را ارتقا دهند (Eshete et al., 2025, 4). همچنین شخصیت به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری، سبک یادگیری، و ترجیحات شناختی، می‌تواند نقش کلیدی در انتخاب رشته تحصیلی و عملکرد افراد در حرفه ایفا کند (Aydemir, 2025, Dev & Bayram Arli). در همین راستا، استفاده از مدل‌های شخصیت‌شناسی برای تحلیل شخصیت‌شناختی افراد، اهمیت یافته است.

در فرآیند هدایت تحصیلی و شغلی، شناخت دقیق پروفایل شخصیتی می‌تواند به «تناسب بهتر فرد با محیط حرفه‌ای» منجر شود و در نتیجه رضایتمندی شغلی، اثربخشی عملکرد و ثبات مسیر حرفه‌ای را ارتقا دهد (Lee, 2022). پرسش اصلی این پژوهش از همین چالش برمی‌خیزد: آیا تیپ شخصیتی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ای برای علاقه‌مندی پایدار به رشته طراحی صنعتی و تداوم فعالیت حرفه‌ای در آن باشد؟

با توجه به پیوندهای نظری میان شخصیت و خلاقیت، و همچنین اهمیت شناخت روان‌شناسی دانشجویان طراحی صنعتی، هدف این پژوهش شناسایی الگوهای شخصیتی رایج در میان فعالان این رشته با استفاده از شاخص MBTI است. در پاسخ به پرسش

اصلی این پژوهش، این مطالعه قصد دارد با بهره‌گیری از ابزار پرکاربرد MBTI، به بررسی ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان طراحی صنعتی در مقاطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) و همچنین فارغ‌التحصیلانی که در حوزه طراحی صنعتی مشغول به فعالیت حرفه‌ای هستند، بپردازد. فعالیت پایدار در رشته طراحی صنعتی، که از یک سو به تفکر تحلیلی و از سوی دیگر به شهود و خلاقیت وابسته است، می‌تواند به‌طور بالقوه با ویژگی‌های شخصیتی فرد همسو یا ناسازگار باشد. تمرکز این مطالعه بر روی جامعه‌ای از افراد شاغل (و نه دانشجویان تازه‌وارد) نقطه تمایزی نسبت به مطالعات مشابه ایجاد می‌کند. با شناخت تیپ‌های شخصیتی، می‌توان ظرفیت‌ها، نقاط قوت و چالش‌های احتمالی هر فرد را در مواجهه با فرایند طراحی و یادگیری بهتر درک کرد. بررسی این رابطه می‌تواند به تدوین مسیرهای آموزشی هدفمند و متناسب با تیپ‌های شخصیتی منجر شود و از این طریق، زمینه‌ی ارتقای عملکرد تحصیلی، افزایش رضایت‌مندی دانشجویان و تربیت طراحانی خلاق‌تر و کارآمدتر را فراهم سازد. از این رو، انجام پژوهش حاضر گامی است در جهت ارائه‌ی بینشی نوین که دو لایه اساسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد: نخست در حوزه‌ی آموزش، با هدف اصلاح مسیرهای یادگیری مبتنی بر تفاوت‌های فردی؛ و دوم در حوزه‌ی حرفه، با هدف افزایش کارآمدی طراحان در تعامل با زیرساخت‌های صنعتی. نتایج این پژوهش می‌تواند به تدوین استراتژی‌هایی منجر شود که با در نظر گرفتن تناسب‌های شخصیتی، زمینه‌ساز بهره‌وری بالاتر، کاهش فرسودگی شغلی و حضور پایدارتر طراحان در نقش‌های کلیدی صنعت طراحی محصول گردد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی افراد را در حوزه‌های مختلف بررسی کرده‌اند. در میان چهار مقیاس MBTI، بعد حسی-شهودی بیشترین ارتباط را با خلاقیت نشان داده است. یافته‌های پژوهش کونرات و همکاران^(۲۰۲۰)، حاکی از آن است که افراد با ترجیح شهودی، از خلاقیت بالاتری برخوردارند. همدان و همکاران^(۲۰۲۳)، در پژوهشی با عنوان «رابطه میان انواع شخصیتی و خلاقیت: مطالعه‌ای بر دانشجویان تازه‌کار معماری»، به بررسی ارتباط میان تیپ‌های شخصیتی بر اساس مدل MBTI و میزان خلاقیت در میان دانشجویان سال اول معماری پرداختند. این مطالعه با هدف شناسایی نقش ویژگی‌های شخصیتی در پیش‌بینی توانایی خلاقانه انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که برخی ابعاد شخصیت، به‌ویژه ترجیحات شهودی و ادراکی، به‌صورت معناداری با سطح بالاتری از خلاقیت در فرایند طراحی مرتبط هستند.

وارسته‌نژاد و همکاران^(۲۰۲۵)، در پژوهشی با عنوان «چگونه کارکردهای شناختی بونگی شیوع تیپ‌های MBTI را در مشاغل مرتبط با صنعت رایانه توضیح می‌دهند»، به بررسی توزیع انواع شخصیتی در میان متخصصان حوزه فناوری و رایانه پرداختند. نتایج نشان داد که تیپ‌های دارای ترجیح تفکر، درون‌گرایی و قضاوت‌گری بیشتر در نقش‌های تخصصی حوزه رایانه حضور دارند و این الگو با نیازهای شناختی این مشاغل، از جمله تحلیل منطقی، پردازش ساختارمند و تصمیم‌گیری مبتنی بر داده، همخوانی دارد. چیانگ و همکاران^(۲۰۱۷)، در مقاله‌ای با عنوان «شخصیت برون‌گرا، دانش حوزه‌ای و خلاقیت مهندسان توسعه محصول جدید»، به بررسی نقش برون‌گرایی و میزان دانش تخصصی در خلاقیت مهندسان پرداختند. نتایج نشان داد که برون‌گرایی به‌تنهایی پیش‌بینی‌کننده خلاقیت نیست، اما زمانی که با دانش تخصصی کافی همراه می‌شود، می‌تواند به افزایش خلاقیت در توسعه محصول منجر شود.

ابرازه و همکاران^(۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «تعیین رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی، خلاقیت و خودشکوفایی در دانشجویان رشته طراحی صنعتی: نقش تفاوت جنسیتی»، به بررسی ارتباط بین تیپ شخصیتی، سطح خلاقیت و احساس خودشکوفایی در میان دانشجویان طراحی صنعتی پرداخته است. پژوهش به روش کمی انجام شده و از پرسشنامه‌های استاندارد (از جمله پرسشنامه MBTI، مقیاس خلاقیت تورنس یا مشابه آن، و مقیاس خودشکوفایی) برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده کرده است. نمونه مورد بررسی شامل دانشجویان طراحی صنعتی بوده و هدف پژوهش سنجش این بوده که آیا بین تیپ شخصیت و مهارت‌های مرتبط با خلاقیت و خودشکوفایی رابطه معنی‌داری وجود دارد یا خیر. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که برخی تیپ‌های شخصیتی (به‌ویژه تیپ‌های شهودی و احساسی) سطح بالاتری از خلاقیت و احساس خودشکوفایی گزارش کرده‌اند، در حالی که تیپ‌های منطقی و ساختارگرا بیشتر با شاخص‌های برنامه‌ریزی، نظم و فرایندمحوری همبستگی داشتند. اما این پژوهش تنها رابطه شخصیت با

خلاقیت و خودشکوفایی در دانشجویان طراحی صنعتی را بررسی کرده و به مرحله ورود به صنعت، ماندگاری در حرفه، یا الگوهای شغلی شخصیت‌محور نپرداخته است.

با وجود پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه شخصیت، مطالعات اندکی به‌طور خاص به بررسی ویژگی‌های شخصیتی در زمینه طراحی صنعتی پرداخته‌اند. همچنین هنوز هیچ مطالعه‌ای نقش تیپ‌های شخصیتی را در مسیر حرفه‌ای طراحان صنعتی، انتخاب‌های شغلی، ماندگاری در حرفه و سبک تصمیم‌گیری طراحی بررسی نکرده است. از این‌رو پژوهش حاضر با ترکیب تحلیل کمی و کیفی تلاش دارد این شکاف پژوهشی را پوشش دهد و نمایی دقیق‌تر از پیوند شخصیت و مسیر حرفه‌ای در طراحی صنعتی ارائه دهد. هویت حرفه‌ای طراح، که ترکیبی از صفات شخصی، مهارت‌ها، و تجربه‌های حرفه‌ای است، سازه‌ای پویا و چندلایه است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف پر کردن خلأ میان ادبیات پراکنده‌ی مرتبط با ویژگی‌های فردی و شایستگی‌های حرفه‌ای طراحان، در پی آن است تا چارچوبی منسجم برای تحلیل هویت حرفه‌ای در طراحی به‌طور خاص طراحان صنعتی ارائه دهد. در پژوهش حاضر، با تمرکز بیشتر بر طراحان صنعتی شاغل در کشور (نه صرفاً دانشجویان)، تلاش شده است تا تصویری واقع‌بینانه از تیپ‌های شخصیتی رایج در این حوزه ترسیم شود و زمینه‌ای برای شناخت بهتر ویژگی‌های فردی مؤثر بر رفتار طراحی فراهم گردد.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد ترکیبی اکتشافی و به‌صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده است. با توجه به نبود آمار دقیق از جامعه‌ی طراحان صنعتی شاغل در کشور، پژوهش از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده کرده است. در گام اول برای هدف اصلی «بررسی توزیع کلی تیپ‌ها در جامعه طراحان صنعتی» و انجام تحلیل‌های مقایسه‌ای معمول حجم نمونه مورد نیاز طبق فرمول کوکران محاسبه شد. برای سطح اطمینان ۹۵٪ و خطای مجاز ۵٪ حجم نمونه به‌دست‌آمده ۳۸۵ بود. در میان این افراد، دانشجویان ورودی جدید (ترم اول) نیز حضور داشتند تا تصویری جامع‌تر از طیف علاقه‌مندی‌ها و تیپ‌های شخصیتی به‌دست آید. در مرحله نخست، پرسشنامه MBTI توسط ۳۸۵ نفر تکمیل شد و همزمان یک پرسشنامه کوتاه تکمیلی درباره میزان علاقه‌مندی و اشتغال به حوزه طراحی صنعتی، توسط آزمودنی‌ها تکمیل شد. برای سنجش تیپ‌های شخصیتی از سیاهه تیپ‌شناسی مایرز-بریگز (MBTI، فرم M) استفاده شد. نسخه فارسی این پرسشنامه در پژوهش‌های متعدد دانشگاهی به کار رفته و از روایی صوری و محتوایی قابل‌قبولی برخوردار است. در پژوهش پورصابری و یعقوبی‌بگلر (۱۳۹۷) ضرایب پایایی آلفای کرونباخ برای چهار بُعد اصلی آزمون بین ۰٫۵۱ تا ۰٫۶۹ گزارش شده است. با توجه به ساختار استاندارد آزمون و استفاده گسترده آن در مطالعات ایرانی، روایی سازه ابزار نیز مورد تأیید ضمنی قرار می‌گیرد. با وجود برخی نقدها درباره‌ی روایی و پایایی آن، همچنان یکی از پرکاربردترین ابزارها در سنجش شخصیت محسوب می‌شود. پژوهشگران بسیاری به دلیل سادگی در تفسیر، کاربردپذیری بالا و قابلیت تطبیق با حوزه‌های گوناگون، از آن برای تحلیل تیپ‌های شخصیتی در رشته‌های خاص، بهره برده‌اند (Sample, 2017). اگرچه شاخص MBTI و تیپ‌شناسی‌های مرتبط با آن به دلیل چالش‌های موجود پیرامون اعتبار روان‌سنجی، همواره محل بحث‌های علمی بوده‌اند، اما این پژوهش از این چارچوب نه به‌عنوان ابزاری برای سنجش قطعی شخصیت، بلکه به‌عنوان زبانی توصیفی برای رمزگشایی از الگوهای شناختی در تصمیم‌گیری‌های طراحی، بهره برده است. در حوزه‌ی طراحی صنعتی، به‌کارگیری این تیپ‌شناسی به طراحان و دانشجویان کمک می‌کند تا درک ملموس‌تری از سبک‌های فردی خود در مواجهه با چالش‌های طراحی به دست آورند. در واقع، اهمیت این ابزار در پژوهش حاضر، قابلیت آن در ایجاد «خودآگاهی شناختی» است؛ به طوری که فرد با شناخت ترجیحات خود، می‌تواند فرآیند خلاقانه و تعاملات حرفه‌ای خود را در پروژه‌های طراحی با دقت و آگاهی بیشتری مدیریت کند.

۸۳ نفر از پاسخ‌دهندگان که جزو طراحان صنعتی حرفه‌ای، بودند و به صورت عملی در کارگاه‌ها، شرکت‌های تولیدی، یا مراکز نوآوری فعالیت می‌کردند، این افراد برای انجام مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انتخاب شدند. بازه‌ی سنی آن‌ها بین ۲۸ تا ۴۵ سال قرار داشت. در آغاز مصاحبه، پرسش‌هایی برای بررسی میزان پذیرش و همخوانی شرکت‌کنندگان با نتیجه پرسشنامه MBTI مطرح شد. از این میان، ۷۱ نفر تیپ به‌دست‌آمده را به‌صورت کامل یا نسبی تأیید کردند و تنها پاسخ‌های این افراد وارد مرحله تحلیل کیفی شد. در ادامه، سؤالاتی درباره نوع و میزان اشتغال به فعالیت‌های طراحی، مرحله ترجیحی در فرایند طراحی و علاقه‌مندی به نوع پروژه‌ها مطرح شد تا ارتباط میان تیپ‌های شخصیتی، حوزه اشتغال و نقش‌های طراحی مشخص شود. از میان ۷۱ نفر، ۳۸ نفر

زن و ۳۳ نفر مرد بودند. داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها به روش تحلیل مضمون و به صورت دستی انجام گرفت. تحلیل‌ها در محیط ورد و اکسل ثبت و دسته‌بندی شد و نقل قول‌های منتخب برای پشتیبانی از مضامین استخراج شده در نتایج بکار گرفته شد. داده‌های کمی با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ مورد تحلیل قرار گرفت.

مبانی نظری

طراحی صنعتی و مهارت‌های حرفه‌ای مورد نیاز

اصطلاح «طراحی» طیف متنوعی از حرفه‌ها و فعالیت‌ها را در بر می‌گیرد و شامل حوزه‌های دانشی مختلفی همچون مهندسی، معماری، طراحی صنعتی و طراحی گرافیک می‌شود. تمامی این حرفه‌ها در عناصر مشترکی همچون حل مسئله، ترکیب چندرشته‌ای، نوآوری هنری و مباحث اخلاقی (سلیمانی و بارانی، ۲۰۲۵)، در فرآیند طراحی اشتراک دارند. هویت طراح در مسیر رشد او و از طریق یادگیری و تجربه‌های حرفه‌ای شکل می‌گیرد، این فرایند، صفات شخصیتی و مهارت‌های ذاتی در برنامه‌ریزی و آفرینش را تقویت می‌کند (Cesinger & Dittenberger, 2025). بر اساس تعریف سازمان جهانی طراحی (WDO, 2013)، می‌توان مهارت‌های مورد نیاز این حوزه را در چهار دسته اصلی فنی، تحلیلی، خلاقانه و مهارت‌های نرم طبقه‌بندی کرد. مهارت‌های فنی: تسلط بر طراحی دستی، مدلسازی سه‌بعدی و دانش مواد و فرآیندهای تولید از الزامات پایه‌ای این رشته محسوب می‌شوند.

مهارت‌های تحلیلی: رویکردهای سیستماتیک در حل مسئله و توانایی انجام تحقیقات کاربرمحور از عوامل کلیدی موفقیت در این حوزه هستند.

مهارت‌های خلاقانه: خلاقیت و توانایی ایده‌پردازی، درک زیبایی‌شناسانه و حساسیت بصری در طراحی محصول از مؤلفه‌های اساسی در طراحی صنعتی محسوب می‌شوند.

مهارت‌های نرم: توانایی کار تیمی، ارتباط مؤثر و مدیریت پروژه از عوامل تعیین‌کننده در موفقیت حرفه‌ای طراحان صنعتی محسوب می‌شوند.

طراحی صنعتی در این پژوهش به مثابه فرایندی خلاقانه، مسئله‌محور و میان‌رشته‌ای فهم می‌شود که در آن طراح می‌کوشد میان انسان، نیاز، فناوری و زمینه فرهنگی رابطه‌ای معنادار برقرار کند. بنابراین، طراحی نه صرفاً تولید شیء، بلکه سامان‌دهی آگاهانه به رابطه میان عملکرد، فرم، تجربه کاربر و امکان‌های ساخت است. چنین تعریفی از طراحی مستلزم مجموعه‌ای از مهارت‌های فنی، تحلیلی، خلاقانه و ارتباطی است و نشان می‌دهد که موفقیت در این حوزه تنها به توانایی‌های اجرایی وابسته نیست، بلکه به تفاوت‌های شناختی و سبک‌های حل مسئله نیز ارتباط دارد. از این رو، به کارگیری MBTI در این پژوهش نه برای ارزش‌گذاری مطلق بر تیپ‌های شخصیتی، بلکه برای توضیح این نکته است که چگونه ترجیحات شناختی متفاوت می‌تواند به رویکردهای متفاوت در طراحی صنعتی و تعامل حرفه‌ای منجر شوند.

با توجه به ماهیت طراحی صنعتی به عنوان یک فعالیت شناختی که مستلزم سنتز اطلاعات متناقض، ابهام‌زدایی از مسائل پیچیده و تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت است، پایدار ماندن در این حرفه تنها به دانش و مهارت تخصصی وابسته نیست؛ بلکه به میزان «سازگاری شناختی» فرد با ماهیت این فعالیت بستگی دارد. از این منظر، این پژوهش از شاخص MBTI به عنوان ابزاری برای شناسایی گرایش‌های شناختی افراد استفاده می‌کند تا تحلیل کند که چگونه تیپ‌های مختلف شخصیتی (با سبک‌های متفاوت دریافت اطلاعات و تصمیم‌گیری)، با الزامات شناختی طراحی صنعتی تعامل کرده و این تعامل چگونه می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ای برای اشتیاق پایدار و تداوم فعالیت حرفه‌ای باشد.

شخصیت و مرور مختصر نظریه MBTI

شخصیت افراد نتیجه‌ای تعامل پیچیده‌ای میان عوامل ژنتیکی و محیطی است (Ji et al., 2022). شخصیت ساختاری نسبتاً پایدار اما انعطاف‌پذیر است که الگوهای فکری، هیجانی و رفتاری فرد را در موقعیت‌های مختلف هدایت می‌کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند عوامل محیطی همچون تربیت، تجربه‌های آموزشی، زمینه‌های فرهنگی و حرفه‌ای نیز در شکل‌گیری و تحول شخصیت نقش کلیدی ایفا می‌کنند (Scattolin et al., 2022). به‌طور خاص در حوزه‌هایی مانند طراحی صنعتی، که تلفیقی از مهارت‌های

شناختی، خلاقانه و اجتماعی را طلب می‌کند، بروز و پرورش ابعاد خاصی از شخصیت، نظیر انعطاف‌پذیری، خودتنظیمی یا همکاری، بسیار برجسته است (Brosens, 2020). هویت حرفه‌ای مفهومی پویاست که حاصل تعامل میان ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌ها و تجربه‌های فردی در بستر حرفه‌ای است (Cheng et al., 2021). رابطه بین شخصیت و هویت حرفه‌ای در طراحان صنعتی، نه تنها در آغاز مسیر تحصیلی بلکه در مواجهه‌ی مستمر با چالش‌های طراحی و بازتاب‌های درونی تداوم می‌یابد و به شکل‌گیری تصویری روشن‌تر از «خود حرفه‌ای» منجر می‌شود (Kunrath et al., 2020).

یکی از رایج‌ترین ابزارهای سنجش شخصیت، شاخص تیپ‌های شخصیتی مایرز-بریگز است. این مدل بر پایه‌ی نظریات کارل گوستاو یونگ درباره‌ی تیپ‌های روان‌شناختی توسعه یافته و توسط ایزابل بریگز مایرز و کاترین بریگز در دهه ۱۹۴۰ تدوین و عملیاتی شده است (Myers, 1962). MBTI چارچوبی شناخته‌شده، قابل فهم و عملیاتی برای توضیح ترجیحات شناختی و رفتاری فراهم می‌آورد که در محیط‌های آموزش و سازمانی به طور گسترده به کار رفته است. در مدل MBTI، هر تیپ شخصیتی با یک کد چهارحرفی مشخص می‌شود که حاصل ترکیب چهار بعد دوقطبی است. این حروف، در واقع اختصارات لاتین برای هشت مؤلفه‌ی بنیادین شخصیت در این مدل هستند. به منظور حفظ روانی متن فارسی و در عین حال اطمینان از دقت علمی، معادل‌های انگلیسی این حروف به همراه شرح مؤلفه‌ها در جدول ۱ ارائه شده است.

بعد جهت‌گیری انرژی با دو گرایش برون‌گرایی و درون‌گرایی، بیانگر منبع اصلی انرژی روانی فرد است. افراد اجتماعی، پرتحرک و متمایل به اقدام فوری‌اند؛ در مقابل، افراد درون‌گرا اغلب تأمل‌گرا، محتاط و نیازمند زمان برای پردازش درونی هستند. این بعد بر سبک ارتباطی در تیم‌ها و رویکرد افراد در فرایندهای طراحی تأثیر بسزایی دارد (Goo et al., 2025). در حیطه طراحی صنعتی، می‌توان پیش‌بینی کرد؛ تمایز در این بعد می‌تواند بر رویکرد افراد نسبت به حل مسئله و تولید ایده تأثیرگذار باشد. افزون‌براین، نحوه مواجهه این دو تیپ با فشارهای شغلی نیز متفاوت است. برون‌گراها غالباً در محیط‌های پویا رشد می‌کنند و درون‌گراها در محیط‌های با ساختار مشخص عملکرد بهتری از خود نشان می‌دهند (Kang et al., 2023).

بعد دریافت اطلاعات با دو گرایش حسی و شهودی، به چگونگی ترجیح افراد در جمع‌آوری و پردازش داده‌ها از محیط اشاره دارد. افراد حسی بر واقعیت‌های ملموس و تجربیات مستقیم تکیه می‌کنند، در حالی که افراد شهودی درک خود را بر پایه الگوها، معانی ضمنی و احتمالات آینده بنا می‌نهند. این تفاوت می‌تواند بر سبک تفکر، تصمیم‌گیری و حتی رویکرد طراحی اثرگذار باشد (Goo et al., 2025). افراد حسی معمولاً در محیط‌هایی عملکرد بهتری دارند که ساختار مشخص، اطلاعات دقیق و وظایف گام‌به‌گام ارائه می‌شود؛ آن‌ها توجه زیادی به جزئیات، دقت در اجرا و تکرارپذیری دارند. این افراد در مشاغلی که نیازمند کنترل کیفیت، مهندسی عملی، تولید، مدیریت اجرایی، و طراحی مبتنی بر مشخصات فنی هستند، توانایی بالایی از خود نشان می‌دهند (Lee, 2022). در مقابل، افراد شهودی به دلیل گرایش به نوآوری، آینده‌نگری، تفکر مفهومی و جست‌وجوی الگوها، در مشاغلی چون طراحی مفهومی، پژوهش‌های راهبردی، کارآفرینی خلاق، و تحلیل روندها شکوفا می‌شوند (Yifan et al., 2024). در حوزه طراحی صنعتی، افراد حسی ممکن است در مراحل اجرایی و ملموس‌تر طراحی مهارت بیشتری داشته باشند، در مقابل، افراد شهودی در مراحل ایده‌پردازی آزاد، طراحی آینده‌نگرانه و کشف راه‌حل‌های نوآورانه تأثیرگذارترند. نحوه‌ی واکنش این دو تیپ به تغییر نیز متفاوت است؛ شهودی‌ها اغلب تغییر را به عنوان فرصت تلقی می‌کنند و با ایده‌های جدید همراه می‌شوند، در حالی که حسی‌ها تمایل دارند ابتدا شواهد ملموس را بررسی کنند و با احتیاط بیشتری با تغییر روبرو شوند.

جدول ۱. ابعاد چهارگانه شخصیت در مدل MBTI برگرفته از (MYERS, 1962)

بعد شخصیت	قطب اول	قطب دوم	توصیف
جهت‌گیری انرژی	درون‌گرایی (Introversion)	برون‌گرایی (Extraversion)	تمرکز بر دنیای درونی با بیرونی ذهن، تأمل یا تعامل
نحوه دریافت اطلاعات	شهودی (Intuition)	حسی (Sensing)	دریافت اطلاعات از الگوهای کلی یا شهود، یا از طریق جزئیات عینی و حسی

شيوه تصميم گيري	تفكرى (Thinking)	احساسى (Feeling)	تصميم گيري بر مبنای منطق و اصوليا ارزش ها و احساسات
سبك زندگى	قضاوت گرى (Judging)	ادراكى (Perceiving)	رويكرد ساختارمند و برنامه محور يا انعطاف پذير و منعطف

بعد تصميم گيري با دو گرايش تفكرى و احساسى، به نحوه ارزيابى و داورى افراد درباره اطلاعات دريافت شده مربوط مى شود. افراد با ترجيح تفكرى، تصميم ها را بر اساس تحليل عيني و اصول منسجم اتخاذ مى كنند؛ در مقابل، افراد با ترجيح احساسى تصميم گيري را بر مبنای ارزش هاى شخصى، همدلى و تأثير تصميم بر ديگران انجام مى دهند. اين تفاوت در فرايند داورى مى تواند بر نحوه حل مسئله و تعاملات بين فردى در محيط هاى كارى و طراحى تأثير قابل توجهى داشته باشد (Goo et al., 2025). در زمينه طراحى صنعتى، پيش بينى مى شود طراحان با تپ تفكرى گرايش بيشترى به تحليل فنى و بهينه سازى كارايى محصول، داشته باشند. در مقابل، طراحان احساسى ممكن است تمرکز بيشترى بر تجربه ي احساسى كاربر، زيبايى شناسى همدلانه و طراحى معنادار داشته باشند. اين تپ ها همچنين در سبك رهبرى، مديريت تعارض و شيوه بازخوردگيري در تيم هاى طراحى تفاوت هاى مهمى از خود نشان مى دهند.

بعد شيوه زندگى با دو گرايش قضاوتى و ادراكى، به نحوه سازمان دهى فرد در مواجهه با دنياى بيرونى اشاره دارد. افراد قضاوتى تمايل دارند زندگى و كار خود را به صورت ساختارمند و برنامه ريزى شده سازمان دهند؛ در حالى كه افراد ادراكى انعطاف پذيرترند، به تجربه و كشف موقعيت هاى جديد علاقه دارند و تمايل دارند تصميم ها را باز بگذارند تا گزينه هاى بيشترى در اختيار داشته باشند. اين بعد بر مديريت زمان و سازگارى فرد در فرآيندهاى خلاق تأثيرگذار است (Goo et al., 2025). در حوزه طراحى صنعتى، افراد قضاوتگر ممكن است در سازماندهى فرايند طراحى، مديريت فازهاى طراحى و تنظيم استانداردهاى طراحى برترى داشته باشند. در حالى كه افراد ادراكگر ممكن است در كشف راه حل هاى نوآورانه، تغيير مسيرهاى طراحى در حين كار، و مواجهه با نيازهاى متغير كاربران بهتر عمل كنند.

در روان شناسى تپ شناختى، ۱۶ تپ شخصيتى شاخص MBTI معمولاً در قالب چهار «مشرّب» اصلى دسته بندى مى شوند. مفهوم مشرب كه توسط ديويّد كيرسى^۸ توسعه يافته است (Keirsey, 1998)، تپ ها را بر اساس تركيب دو ترجيح كليدى (نحوه دريافت اطلاعات و نحوه تصميم گيري/تعامل با جهان) به گروه هاى همگرا تقسيم مى كند. اين چهار مشرب شامل محافظان (SJ)، تمرکز بر نظم و وظيفه شناسى، صنعت گران (SP)، تمرکز بر عمل گرايى و تجربه ملموس، آرمان گريان (NF)، تمرکز بر معنا و روابط انساني و خردگريان (NT) تمرکز بر تحليل سيستم ها و استراتژى هستند. در ادامه، ويژگى هاى هر يك از ۱۶ تپ شخصيتى در قالب اين چهار مشرب معرفى مى گردد:

۱. مشرب محافظان (SJ): اين گروه بر ساختار، نظم و جزئيات متمرکز هستند.

• ISTJ (بازرس/عمل گرا): تحليل گر واقع گرا، دقيق و متعهد به استانداردهاى كارى.

• ISFJ (مدافع/حامى): مسئوليت پذير، متمرکز بر نيازهاى ديگران و با دقت بالا در جزئيات.

• ESTJ (مدير/مجري): ساختارمند، قاطع و علاقه مند به مديريت بهينه منابع.

• ESFJ (مشاور/همدل): اجتماعى، سازمان دهنده و حامى انسجام گروهى.

۲. مشرب صنعت گران (SP): اين افراد بر عمل گرايى، واكنش سريع و حل مسئله به صورت ملموس تمرکز دارند.

• ISTP (صنعت گر/تكنيسين): حل كننده عملى مسائل، داراي درك فنى بالا و مستقل.

• ISFP (هنرمند/ماجراجو): حساس، زيبايى شناس و متكى بر تجربه هاى شهودى در خلق اثر.

• ESTP (كارآفرين/جستجوگر): پراورزى، سازگار با شرايط محيطى و متمايل به تجربه مستقيم.

• ESFP (مجري/سرگرم كننده): تعامل گرا، منعطف و متمرکز بر پويايى لحظه هاى در محيط طراحى.

۳. مشرب آرمان گريان (NF): متمرکز بر معانى، روابط انساني و ارزش هاى عميق.

- INFJ (حامی/آرمان‌گرا): دارای نگاه شهودی عمیق، تحلیل‌گر پیچیدگی‌های انسانی و آینده‌نگر.
- INFP (میانجی/خیال‌پرداز): ارزش‌مدار، خلاق و متمرکز بر اصالت در بیان هنری.
- ENFJ (قهرمان/الهام‌بخش): ارتباط‌گر قدرتمند، هدایت‌کننده گروه و دارای روحیه رهبری همدلانه.
- ENFP (قهرمان/آیده‌پرداز): مشتاق نوآوری، جستجوگر امکانات جدید و دارای قدرت تخیل بالا.
- ۴. مشرب خردگرایان (NT): متمرکز بر سیستم‌ها، تحلیل استراتژیک و انتزاع‌گرایی.
- INTJ (معمار/استراتژیست): نظام‌مند، هدف‌گرا و تحلیل‌گر انتقادی در صورت‌بندی مفاهیم.
- INTP (منطقی/تحلیل‌گر): مفهوم‌پرداز، کنج‌کاو و متمایل به کشف روابط منطقی و نظری.
- ENTJ (فرمانده/رهبر): تصمیم‌گیرنده استراتژیک، مدیر سیستم‌های پیچیده و رقابت‌جو.
- ENTP (متنکر/چالش‌گر): نوآور، علاقه‌مند به شکستن کلیشه‌ها و تحلیل چندوجهی مسائل.

جدول ۲ فراوانی تیپ‌های شخصیتی را با مشاغل متناسب آنها مقایسه می‌کند. هر تیپ با کد چهارحرفی اختصاصی خود مشخص می‌شود، این تیپ‌ها حاصل ترکیب چهار بعد دوقطبی مدل MBTI هستند: برون‌گرایی/درون‌گرایی (E/I)، شهودی/احسی (N/S)، تفکری/احساسی (T/F) و قضاوت‌گر/ادراک‌گر (J/P). در ستون سوم و چهارم، آمار فراوانی تیپ‌های شخصیتی MBTI در جمعیت عمومی و اطلاعات مربوط به مشاغل متناسب برای هر تیپ شخصیتی، از منبع رسمی (MBTI® (2018) آورده شده است. احتمال گرایش هر یک از ۱۶ تیپ شخصیتی به رشته طراحی صنعتی به‌صورت تقریبی و مبتنی بر تفسیر نگارندگان از الگوهای مشاهده‌شده و مبانی نظری برآورد شده‌اند و مستقیماً از داده‌های تجربی پژوهش استخراج نشده‌اند.

جدول ۲. تیپ‌های MBTI و فراوانی آنها در جمعیت عمومی (تقریبی) و مشاغل تخمینی هر تیپ (برگرفته از MBTI®, 2018) احتمال گرایش به طراحی صنعتی در آنها (به‌صورت تقریبی و بر اساس تفسیر نگارندگان از توضیحات مرتبط با هر تیپ)

تیپ	ویژگی اصلی	فراوانی عمومی تقریبی	مشاغل متناسب	احتمال گرایش
ISTJ	منظم، دقیق، مسئول	۱۱-۱۲٪	حسابدار، مدیر پروژه، تحلیلگر سیستم، مهندس، مأمور اجرایی	→ متوسط
ISFJ	وفادار، با وجدان، جزئی‌نگر	۹-۱۰٪	پرستار، مددکار اجتماعی، معلم ابتدایی، مسئول منابع انسانی	↓ کم
INFJ	آرمان‌گرا، بینش‌مند، درون‌نگر	۱-۲٪	مشاور، روانشناس، نویسنده، طراح مفهومی، هنرمند مفهومی	↑ بالا
INTJ	تحلیلی، استراتژیک، مستقل	۲-۳٪	پژوهشگر، برنامه‌ریز استراتژیک، مهندس ارشد، معمار مفهومی	↑ بالا
ISTP	منطقی، واقع‌گرا، مستقل	۴٪	مهندس مکانیک، تکنیسین، خلبان، برنامه‌نویس، طراح محصول فنی	→ متوسط
ISFP	آرام، هنرمند، تجربه‌گرا	۴٪	هنرمند، طراح لباس، عکاس، معمار داخلی، مجسمه‌ساز	↑ بالا
INFP	خلاق، اخلاق‌مدار، مستقل	۴-۵٪	نویسنده، شاعر، مشاور، طراح گرافیک، هنرمند، درمانگر هنری	↑ بالا
INTP	تحلیلگر، خلاق، نظریه‌پرداز	۴٪	فیلسوف، استاد دانشگاه، تحلیل‌گر داده، توسعه‌دهنده نرم‌افزار، طراح سیستم	→ متوسط
ESTP	پرانرژی، واقع‌گرا، جسور	۴-۵٪	فروشنده، کارآفرین، آتش‌نشان، فیلم‌ساز، طراح صنعتی عملیاتی	↓ کم

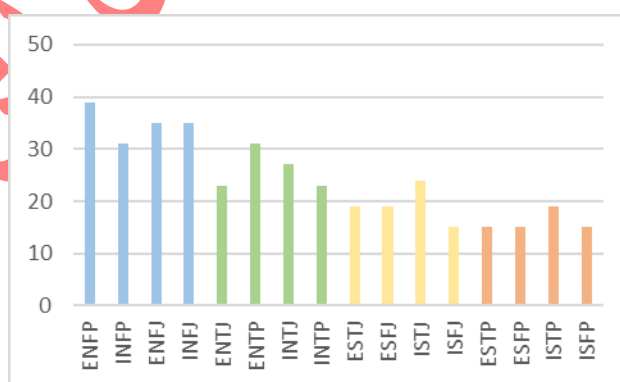
ESFP	اجتماعی، خودجوش، حسی	۴-۶٪	بازیگر، نوازنده، طراح صحنه، مهماندار هواپیما، طراح تجربه کاربر (UX)	→ متوسط
ENFP	نوآور، الهامبخش، احساسی	۷-۸٪	طراح خلاق، نویسنده تبلیغاتی، مشاور توسعه فردی، استراتژیست خلاق، کارگردان هنری	↑ بالا
ENTP	مبتکر، ایده پرداز، سریع	۳-۴٪	کارآفرین، مشاور نوآوری، طراح مفهومی، مدیر برند، توسعه دهنده کسب و کار	↑ بالا
ESTJ	مدیر، سازمان ده، وظیفه محور	۱۱-۱۲٪	مدیر اجرایی، ناظر پروژه، مدیر تولید، مدیر کارخانه، حسابدار	↓ کم
ESFJ	مسئول، اجتماعی، کمک رسان	۹-۱۲٪	معلم، مشاور مدرسه، پرستار، مسئول ارتباطات، کارشناس منابع انسانی	↓ کم
ENFJ	رهبر، مشوق، الهامبخش	۲-۳٪	مربی، معلم، مدیر تیم، مشاور تحصیلی، تسهیل گر کارگاه های خلاق	→ متوسط
ENTJ	استراتژیک، مقتدر، آینده نگر	۲٪	مدیر ارشد، مشاور مدیریت، برنامه ریز کلان، مدیر طراحی، سرمایه گذار	→ متوسط

یافته های پژوهش (بحث)

توزیع تیپ های شخصیتی MBTI در دانشجویان و دانش آموزان رشته طراحی صنعتی

بر اساس تحلیل داده های به دست آمده از ۳۸۵ دانشجوی و دانش آموز رشته طراحی صنعتی، توزیع تیپ های شخصیتی در چهار گروه اصلی MBTI شامل NF، NT، SJ و SP محاسبه شد. نتایج نشان داد که بیشترین سهم مربوط به گروه NF آرمان گرا و خلاق با ۳۶٪ از کل نمونه است. این گروه معمولاً دارای ویژگی هایی چون خلاقیت، همدلی و علاقه مندی به معنا و تجربه انسانی در طراحی هستند. در رتبه دوم، گروه NT تحلیل گر و خلاق فنی با ۲۷٪ قرار دارد؛ این افراد عموماً تفکر منطقی و رویکردی تحلیلی به حل مسائل طراحی دارند. گروه SJ عمل گرا و ساختارگرا با ۲۰٪ نشان دهنده حضور طراحانی با ویژگی های نظم پذیری، دقت و تمایل به ساختار است، در حالی که گروه SP آزاد و تجربه محور با ۱۷٪ کمترین سهم را دارد. اعضای این گروه بیشتر گرایش به تجربه عملی، کار با مسائل و آزمودن راه حل های جدید دارند.

نمودار ۱. نمودار توزیع تیپ های ۱۶ گانه MBTI در میان دانشجویان و دانش آموزان حوزه طراحی صنعتی



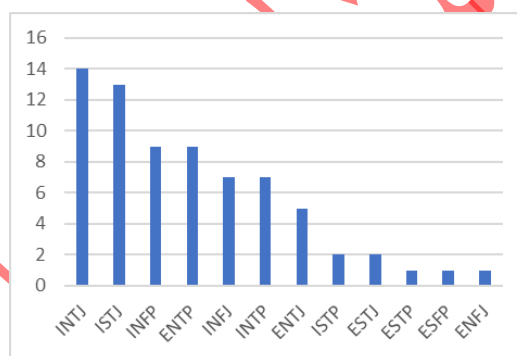
تحلیل توزیع فراوانی در نمودار ۱ نشان دهنده غلبه معنادار تیپ های شهودی-احساسی در میان نمونه مورد مطالعه است. محور افقی بیانگر کد چهارحرفی تیپ های شخصیتی و محور عمودی نشان دهنده درصد فراوانی افراد در هر تیپ است. ارتفاع هر ستون، میزان

حضور آن تیپ را در نمونه پژوهش نشان می‌دهد. برای تسهیل مقایسه، تیپ‌ها بر اساس دو حرف میانی کدهای MBTI در چهار گروه کلی NF، NT، SJ و SP با رنگ‌های متفاوت نمایش داده شده‌اند. همان‌گونه که در تصویر مشاهده می‌شود، تیپ ENFP بیشترین و تیپ‌های ESTP، ESFP و ISFP کمترین میزان را در نمونه مورد بررسی دارند.

توزیع تیپ‌های شخصیتی MBTI در گروه فعالان در حوزه طراحی صنعتی

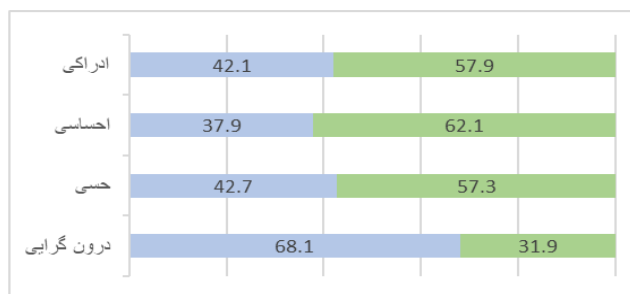
از آنجا که هدف اصلی این پژوهش شناسایی تیپ‌های شخصیتی و تمایلات رفتاری فعالان طراحان صنعتی بود، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته‌ای با گروهی از مشارکت‌کنندگان انجام شد. این مصاحبه‌ها با هدف سنجش سه محور انجام شدند: هم‌خوانی توصیف‌های خودشناسانه افراد با تیپ شخصیتی MBTI آن‌ها، رضایت از حرفه طراحی صنعتی، و اولویت‌های شخصی در فرایند طراحی (با تمرکز بر ابعاد هنری، فنی، زمانی و کیفی). بر این اساس مجموعه‌ای از سؤال‌های کلیدی مبتنی بر شخصیت‌شناسی و تجربه‌های واقعی در پروژه‌های طراحی صنعتی تنظیم گردید که بتواند تمایزهای رفتاری بین تیپ‌های شخصیتی را آشکار سازد. توزیع تیپ‌های شخصیتی این گروه نشان داد که بیشترین فراوانی به ترتیب متعلق به تیپ‌های INTJ ۱۴ نفر، ISTJ ۱۳ نفر، INFP و ENTJ ۹ نفر بود. تیپ‌های INFJ و INTP هر یک با ۷ نفر در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. تیپ‌های ENTJ ۵ نفر، ISTP و ESTJ ۲ نفر، ESFP و ENFJ ۱ نفر، کمترین فراوانی را نشان دادند. در میان شرکت‌کنندگان این گروه، تیپ‌های ISFP، ESFJ و ENFP مشاهده نشدند.

نمودار ۲. نمودار توزیع تیپ‌های ۱۶ گانه MBTI در میان شاغلین در حوزه طراحی صنعتی



نمودار ۲، توزیع تیپ‌های ۱۶ گانه MBTI در میان شاغلین در حوزه طراحی صنعتی را نشان می‌دهد. نمرات خام چهار قطب اصلی شخصیت نیز تحلیل شدند. هر قطب بر اساس یک طیف پیوسته سنجیده شده و میانگین نمرات برای هر بُعد محاسبه گردید. محور افقی نشان‌دهنده کد تیپ‌های شخصیتی و محور عمودی نشان‌دهنده تعداد افراد در هر تیپ است. ستون‌ها بر اساس فراوانی تیپ‌ها مرتب شده‌اند و ارتفاع هر ستون تعداد افراد متعلق به آن تیپ را نشان می‌دهد.

نمودار ۳. میانگین نمرات چهار قطب اصلی شخصیت در آزمون MBTI در میان شاغلین حوزه طراحی صنعتی



نمودار ۳، میانگین نمرات چهار قطب اصلی شخصیت در آزمون MBTI در میان شاغلین حوزه طراحی صنعتی را نشان می‌دهد. نتایج تحلیل آماری نشان داد که: درون گرایی: با میانگین ۶۸٫۱ درصد، بیشترین تعداد گرایش در میان شرکت‌کنندگان بود. این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده تمایل آن‌ها به تمرکز فردی، تأمل عمیق و ترجیح کار در محیط‌های آرام‌تر باشد؛ ویژگی‌هایی که در فرآیندهای طراحی نیازمند تمرکز و پردازش ذهنی عمیق مفید هستند. میانگین نمره برای گرایش به حسی بودن در مقابل شهودی بودن ۴۲٫۷ بود، که بیانگر گرایش نسبی به شهودی بودن در بین افراد است؛ رویکردی که با تفکر خلاق و ایده‌پردازی در طراحی همسو است. نمره‌ی میانگین در بعد احساسی بودن در مقابل منطقی بودن، برابر با ۳۷٫۹ بود، که نشان‌دهنده غلبه سبک تفکر منطقی بر احساسی است. افراد با گرایش منطقی معمولاً تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر تحلیل و منطق دارند که در ارزیابی طراحی‌ها و حل مسائل فنی مؤثر است. میانگین نمره سبک ادراکی در مقابل قضاوت‌گرایی، برابر با ۴۲٫۱ به دست آمد، که حاکی از تمایل نسبی به سبک قضاوت‌گرایانه است. این افراد معمولاً ساختارگرا، منظم و اهل برنامه‌ریزی هستند؛ ویژگی‌هایی که در فرآیندهای طراحی سیستماتیک اهمیت دارند.

بررسی حوزه‌های اشتغال طراحان صنعتی شرکت‌کننده در این پژوهش نشان داد که تنوع قابل‌توجهی در زمینه فعالیت آنان وجود دارد. بیشترین تعداد مربوط به طراحی مبلمان و مبلمان شهری (۲۳٫۹٪) بود. پس از آن، طراحی کفش با (۱۵٫۵٪) و طراحی قطعات صنعتی و محصولات دارای عملکرد فنی با (۱۴٫۱٪) در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. همچنین طراحی جواهرآلات (۱۱٫۳٪) و محصولات دکوراتیو و بسته‌بندی (۱۱٫۳٪)، طراحی لوازم خانگی، ۹٫۹٪، از دیگر حوزه‌های پرتکرار در میان شرکت‌کنندگان بودند. سهم طراحان فعال در زمینه اسباب‌بازی و طراحی روشنایی نیز هرکدام (۵٫۶٪) بود. در نهایت طراحی خودرو با (۲٫۸٪) کمترین فراوانی را داشتند. جدول ۳ ویژگی‌های شخصیتی، حوزه‌های فعالیت و نمونه‌های مصاحبه طراحان صنعتی بر اساس تیپ‌های شخصیتی را نشان می‌دهد.

جدول ۳. ویژگی‌های شخصیتی، حوزه‌های فعالیت و نمونه‌های مصاحبه طراحان صنعتی بر اساس تیپ‌های شخصیتی MBTI

INTJ - ۱۴ نفر --- ویژگی: آینده‌نگر، تمایل به نظم و منطق در طراحی. --- حوزه فعالیت: مبلمان، قطعات صنعتی، لوازم خانگی، دکوراتیو. توصیف: این تیپ پروژه‌های پیچیده را ترجیح می‌دهند. کیفیت و جنبه‌های عملکردی طرح برایشان مهم‌تر از واکنش احساسی کاربر است. نمونه جمله مصاحبه: برای کشف معیارهای طراحی خیلی وقت می‌ذارم و تک تک همه رو بررسی می‌کنم.
ISTJ - ۱۳ نفر --- ویژگی: واقع‌گرا، منظم، مسئولیت‌پذیر. --- حوزه فعالیت: قطعات صنعتی، مبلمان، کفش، لوازم خانگی، روشنایی، جواهرآلات. توصیف: طراحی را فرآیندی ساختارمند و قابل‌سنجش می‌دانند و تحویل به‌موقع و رعایت اصول را بر خلاقیت‌های پرتریسک ترجیح می‌دهند. نمونه جمله مصاحبه: از نظر من کیفیت یعنی طرحی که درست کار کنه و سر وقت تحویل داده بشه، نه لزوماً طرحی که خاص‌تر باشه.
INFP - ۹ نفر --- ویژگی: ایده‌آل‌گرا، درون‌نگر، زیبایی‌جو. --- حوزه فعالیت: جواهرآلات، دکوراتیو، مبلمان، کفش، اسباب بازی. توصیف: طرح را ابزاری برای بیان احساس و معنا می‌دانند. اغلب طرح‌هایشان بیانگر هویت درونی و سلیقه شخصی آن‌هاست. نمونه جمله مصاحبه: دوست دارم طرح‌هام حرفی برای گفتن داشته باشن، حتی اگه خیلی به مذاق کارفرما خوش نیاد.
ENTP - ۹ نفر --- ویژگی: خلاق، عاشق چالش. --- حوزه فعالیت: کفش، لوازم خانگی، قطعات صنعتی، دکوراتیو، روشنایی. توصیف: تمایل دارند کارکردهای متنوع و خلاقانه را با زیبایی بصری ترکیب کنند. اغلب طرح‌هایشان منعطف و همراه با نوآوری است. نمونه جمله مصاحبه: تلاش می‌کنم کارایی و عملکردهای چندگانه رو توی محصولم لحاظ کنم تا اینکه فقط یه ظاهر خاص داشته باشه.

INFJ-۷ نفر --- ویژگی: معناگرا، درون‌نگر، آرمان‌جو. --- حوزه فعالیت: مبلمان، روشنائی، جواهرآلات، اسباب‌بازی، کفش. توصیف: برای آن‌ها هر طراحی باید حامل مفهوم باشد. از طرح‌های تقلیدی دوری می‌کنند و گاه نسبت به قضاوت کارفرما حساسیت دارند. نمونه جمله مصاحبه: از نظر من کاربران دوست دارند محصول معنی داشته باشد یا به چیز خاص توی محصول.
INTP-۷ نفر --- ویژگی: تحلیل‌گر، منطقی، مسئله‌محور. --- حوزه فعالیت: قطعات صنعتی، لوازم خانگی، خودرو، مبلمان. توصیف: به دنبال نوآوری از مسیر تفکر منطقی هستند و بیشتر به فرایند حل مسئله علاقه دارند تا نمایش هنری طرح. نمونه جمله مصاحبه: اول محصول باید کار کنه، من میرم دنبال عملکردها و مکانیزهایی که می‌تونن کارایی محصول رو بالا ببرن.
ENTJ-۵ نفر --- ویژگی: قاطع، مدیر، هدف‌گرا. --- حوزه فعالیت: مبلمان، روشنائی، قطعات صنعتی، اسباب‌بازی. توصیف: تمایل دارند کنترل پروژه و تصمیم‌های طراحی را در دست بگیرند. گاه در جلسات بیش از بقیه بر دیدگاه خود پافشاری می‌کنند. نمونه جمله مصاحبه: مسیر پروژه رو خودم تعیین می‌کنم، چون معمولاً بهتر از بقیه می‌دونم چی جواب می‌ده.
ISTP-۲ نفر --- ویژگی: عمل‌گرا، فنی، علاقه‌مند به تجربه مستقیم. --- حوزه فعالیت: قطعات صنعتی، خودرو. توصیف: بیشتر وقت خود را صرف کار با مواد، ابزار و مدل‌سازی واقعی می‌کنند تا ایده‌پردازی ذهنی. نمونه جمله مصاحبه: همیشه یکی از نگرانی‌هام اینه که آیا محصول از لحاظ فنی درست کار خواهد کرد همیشه سعی میکنم تستش کنم.
ESTJ-۲ نفر --- ویژگی: منظم، کارآمد، وظیفه‌محور. --- حوزه فعالیت: قطعات صنعتی، لوازم خانگی. توصیف: ساختار و بهره‌وری را اصل طراحی می‌دانند و کمتر به جنبه‌های احساسی طرح توجه دارند. نمونه جمله مصاحبه: به نظرم طراحی خوب یعنی چیزی که بشه راحت تولید کرد و سود داد.
ESTP-۱ نفر --- ویژگی: پویا، تجربه‌محور، نتیجه‌گرا. --- حوزه فعالیت: مبلمان. توصیف: علاقه‌مند به تجربه واقعی و آزمون عملکرد طرح‌ها در میدان عمل هستند. نمونه جمله مصاحبه: من همیشه اول خودم محصول رو امتحان می‌کنم چه در مراحل مطالعه و چه در آخر که نتیجه کارم رو ببینم.
ESFP-۱ نفر --- ویژگی: زیباشناسانه، اجتماعی، لذت‌جو. --- حوزه فعالیت: جواهرآلات. توصیف: برای آن‌ها حس و جلوه بصری اهمیت زیادی دارد. طراحی را تجربه‌ای احساسی و لذت‌بخش می‌دانند. نمونه جمله مصاحبه: برای من مهمه طرحم زیبا باشه و حس خوبی به بیننده بده.
ENFJ-۱ نفر --- ویژگی: همدل، اجتماعی، هدف‌دار. --- حوزه فعالیت: اسباب‌بازی توصیف: تمایل دارند طراحی‌شان تأثیر اجتماعی مثبت بگذارد و به رضایت کارفرما و کاربر اهمیت ویژه‌ای می‌دهند. نمونه جمله مصاحبه: ما طراحان وظیفه داریم به جامعه کمک کنیم تا فرهنگ و زندگی افراد رو بهتر کنیم

بر اساس مقایسه دو مرحله داده‌ها- مرحله اول (شامل دانشجویان و دانش‌آموختگان) و مرحله دوم (فقط افراد دارای شغل مرتبط با طراحی صنعتی)- تفاوت‌های قابل‌توجهی در توزیع تیپ‌های شخصیتی دیده می‌شود که می‌تواند به‌صورت معنادار به نقش شخصیت در «ماندگاری حرفه‌ای»، «تناسب شغلی» و «عملکرد طراحی» اشاره کند.

در مرحله نخست (دانشجویان و دانش‌آموختگان)، تیپ‌های شهودی-احساسی (NF)، به‌ویژه تیپ‌های ENFJ، INFP، ENFP و INFJ فراوانی بالاتری داشتند. حضور پررنگ این تیپ‌ها نشان‌دهنده تمایل اولیه افراد با ترجیحات شناختی شهودی و معناگرا به ورود به این رشته است؛ افرادی که به جنبه‌های خلاقانه، تجربی و ابعاد انسانی طراحی علاقه‌مندند. این یافته با پژوهش‌های پیشین از جمله مطالعات (Hemdan et al., 2023) هم‌راستا است که نقش تفاوت‌های فردی و ویژگی‌های شخصیتی را در هدایت تحصیلی و ترجیحات طراحان جوان برجسته می‌سازند.

اما در مرحله دوم، یعنی میان افراد فعال در طراحی صنعتی، الگو به‌طور چشمگیری تغییر کرد. در این مرحله تیپ‌های تحلیلی و سیستم‌محور ENTJ، INTP، ISTJ، INTJ سهم بسیار بیشتری دارند و بسیاری از تیپ‌های احساسی‌تر کاملاً حذف شده‌اند مثل ENFP، ESFJ، ISFJ. این تغییر می‌تواند بیانگر این باشد که بخش قابل‌توجهی از افراد دارای تیپ‌های شهودی-احساسی اگرچه در مرحله ورود به رشته طراحی صنعتی حضور پررنگ دارند، اما احتمالاً به دلایل مرتبط با ماهیت بازار کار طراحی صنعتی، فشارهای تولید، نیاز به ساختار، همکاری با صنایع و محدودیت‌های زمانی و فنی کمتر وارد فضای حرفه‌ای می‌شوند یا در آن ماندگار نمی‌مانند. در چارچوب نظری MBTI، ترجیح F نشان‌دهنده تمایل فرد به اتخاذ تصمیم‌ها بر اساس ارزش‌های شخصی، همدلی، پیامدهای انسانی و حفظ هماهنگی بین فردی است (Myers et al., 2020). در مقابل، ترجیح T بر تحلیل

ساختاریافته، منطق عینی و روابط علت و معلولی استوار است. تفاوت در فراوانی این دو ترجیح میان دو مرحله پژوهش را می‌توان با تحلیل ماهیت حرفه‌ای طراحی صنعتی تبیین کرد.

کار در حوزه طراحی صنعتی در صنایع و شرکت‌ها با چالش‌های متعددی همراه است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به فشارهای زمان‌بندی سخت‌گیرانه و نیاز به تطبیق طراحی‌ها با فرآیندهای تولیدی اشاره کرد. این محدودیت‌ها، گاه خلاقیت طراحان را محدود می‌کند و آن‌ها را به ارائه راه‌حل‌های عملی‌تر سوق می‌دهد. از سوی دیگر، همکاری میان‌رشته‌ای با مهندسان تولید، مدیران پروژه و سایر بخش‌ها از الزامات فعالیت در این حوزه است (Karaca, 2022) که می‌تواند با چالش‌های ارتباطی و تعارض دیدگاه‌ها همراه باشد. این تفاوت نشان می‌دهد که شاید لازم باشد برنامه‌های آموزشی طراحی صنعتی برای حمایت از تیپ‌های خلاق اما کمتر ساختارگرا مثل NF اصلاح شود تا این گروه بتوانند بهتر با الزامات حرفه‌ای سازگار شوند و به مرحله اشتغال پایدار برسند.

در تیپ‌های ISFJ، ESFJ، ISFP، ENFP و ISFJ که در میان شاغلین وجود نداشتند، بعد F مشترک است. این افراد تصمیم‌گیری را بیشتر بر اساس هماهنگی، ارزش‌های شخصی و احساسات انجام می‌دهند تا تحلیل منطقی و حل مسئله. دو تیپ ENFP و ISFP در بعد P قرار دارند؛ یعنی ترجیح آن‌ها انعطاف، اکتشاف و کار باز است. اما در برخی مشاغل طراحی صنعتی - که نیازمند تصمیم‌گیری مبتنی بر تحلیل عملکرد، امکان‌سنجی تولید، مسائل مهندسی و فیزیکی محصول است - این سبک می‌تواند باعث ایجاد تنش، خستگی شناختی یا نارضایتی شغلی شود. گلدشمیت^(۲۰۱۹)، تأکید کرده پایداری در حرفه طراحی صنعتی نیازمند ترکیب خلاقیت با تفکر سیستماتیک و توانایی تصمیم‌گیری و پیاده‌سازی است. این یافته‌ها با نتایج تحقیقاتی که نشان می‌دهند تیپ‌های NT و SJ در مشاغل فنی طراحی بهتر دوام می‌آورند، همخوانی دارد (Carr et al., 2002).

از این رو، تیپ‌های دارای ترجیح T مانند INTJ و INTP به دلیل گرایش به تفکر تحلیلی و حل مسئله ساختاریافته، ممکن است سازگاری توصیفی بیشتری با این محیط‌های قانون‌مند نشان دهند. با این حال، باید توجه داشت که عدم مشاهده برخی تیپ‌های احساسی در نمونه شاغلان، به معنای «حذف علی» یا «ناتوانی» آن‌ها در حل مسائل منطقی نیست. فرآیند تفکر طراحی اساساً ماهیتی چندوجهی دارد که به هر دو بعد شناختی نیاز دارد.

در تحلیل مصاحبه‌ها، مشاهده شد که تیپ‌های شخصیتی نه تنها در انتخاب مسیر شغلی، بلکه در رویکرد به فرآیند طراحی، اولویت‌های ارزشی و تعامل با کارفرما نیز تأثیرگذارند. برای مثال، تیپ‌های INTJ، INTP و ENTJ طراحی را فرایندی سیستماتیک، قابل تحلیل و مبتنی بر عملکرد بیان کردند و بر اساس گفته‌های آنان، معیارهایی مانند کارایی، ساختار، و امکان‌سنجی فنی بر جنبه‌های زیبایی‌شناختی یا احساسی طرح ارجحیت داشت. این روند با ویژگی‌های گزارش‌شده برای تیپ‌های تحلیل‌گر در ادبیات روانشناسی شخصیت سازگار است (تققی و طاهری سیاح، ۲۰۱۷)، جایی که این تیپ‌ها معمولاً در زمینه‌هایی مانند طراحی مبتنی بر مهندسی، مدل‌سازی پیچیده، سیستم‌سازی و طراحی عملکردمحور قوی‌تری نشان می‌دهند (VarastehNezhad et al, 2025). در مقابل، تیپ‌های INFJ، INFP و ENTP طراحی را بیشتر به‌عنوان فرآیندی بیان‌گرایانه، معنا محور و تجربی توصیف کردند. آنان در سخنان خود بر مفاهیمی مانند بیان هویت، خلق معنا، طراحی انسان‌محور و نوآوری تجربی تأکید داشتند. این یافته‌ها با پژوهش‌هایی همخوان است که نشان می‌دهند طراحان دارای قطب احساسی و شهودی (NF/SP) بیشتر به طراحی تجربه، مفهوم‌پردازی احساسی و فرم‌های غیرمترادف تمایل دارند (Meneely & Portillo, 2005).

تحلیل حوزه‌های فعالیت نشان داد که انتخاب مسیر حرفه‌ای نیز می‌تواند تحت تأثیر تیپ‌های شخصیتی باشد. به‌عنوان نمونه، در این پژوهش طراحی میلمان و محصولات دکوراتیو، به‌طور نسبی در میان تیپ‌های NF و NT بیشتر مشاهده شد، در حالی که حوزه‌های قطعات صنعتی بیشتر توسط تیپ‌های تحلیلی مانند ST انتخاب شده بودند. فعالیت در حوزه‌های احساسی‌تر مانند جواهرآلات، روشنایی و اسباب‌بازی نیز بیشتر با تیپ‌های NF همخوانی داشت.

با وجود کاربرد گسترده شاخص مایرز-بریگز (MBTI) در مطالعات مربوط به تفاوت‌های فردی، آموزش و هدایت شغلی، این ابزار در ادبیات روان‌شناسی با نقدهایی نیز مواجه بوده است. از جمله این نقدها می‌توان به بحث درباره ثبات نتایج در اندازه‌گیری‌های مکرر، دوقطبی‌سازی برخی ابعاد شخصیتی، و محدودیت در بازنمایی پیوستاری بودن ویژگی‌های روان‌شناختی اشاره کرد. از این رو،

نویسندگان کوشیده‌اند یافته‌های پژوهش حاضر را نه به‌عنوان بازنمایی قطعی و تغییرناپذیر شخصیت افراد، بلکه در چارچوب گرایش‌های تیپی و الگوهای ترجیحی در شیوه ادراک، تصمیم‌گیری و تعامل با مسائل طراحی تفسیر کنند. بر این اساس، نتایج با احتیاط و در کنار سایر عوامل فردی، آموزشی و زمینه‌ای بررسی شده‌اند و از هرگونه تعبیر ذات‌انگارانه یا تقلیل‌گرایانه درباره توانایی‌ها و قابلیت‌های حرفه‌ای افراد بر اساس تیپ شخصیتی پرهیز شده است.

لازم به ذکر است که تفاوت‌های جمعیت‌شناختی، اندازه نمونه و شرایط بازار کار می‌توانند در تفاوت مشاهده‌شده میان دو گروه نقش داشته باشند. افزون بر این، عواملی مانند شیوه ورود افراد به حرفه، فرصت‌های استخدامی، الزامات سازمانی و نوع انتظارات شغلی در حوزه طراحی صنعتی نیز ممکن است بر الگوی حضور یا عدم حضور برخی تیپ‌های شخصیتی اثرگذار باشند. بنابراین، یافته‌های حاضر صرفاً تفاوت‌های توصیفی میان دو نمونه را نشان می‌دهند و برای نسبت‌دادن توانایی، شایستگی یا تناسب شغلی خاص به یک تیپ شخصیتی، شواهد کافی فراهم نمی‌کنند؛ این الگوها نیازمند بررسی در نمونه‌های بزرگ‌تر و پژوهش‌های طولی هستند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی تیپ‌های شخصیتی طراحان صنعتی و ارتباط آن با سبک طراحی و حوزه فعالیت حرفه‌ای آنان انجام شد. تحلیل تطبیقی دو مرحله پژوهش نشان داد که تفاوت قابل توجهی میان فراوانی انواع تیپ‌های شخصیتی در بین دانشجویان طراحی صنعتی و افراد شاغل این حوزه وجود دارد. این تفاوت می‌تواند بازتابی از اثر هم‌زمان عوامل فردی و زمینه‌ای، از جمله الزامات محیط کار حرفه‌ای، ساختارهای سازمانی، محدودیت‌های زمانی و نوع انتظارات شغلی در صنعت طراحی صنعتی باشد. این فاصله معنادار نشان می‌دهد که اگرچه بسیاری از تیپ‌های شخصیتی خلاق‌تر — به‌ویژه تیپ‌های دارای ترجیح شهود (N) و احساس (F) — توانایی بالقوه بالایی برای تولید ایده و نوآوری دارند، اما شرایط سختگیرانه، ساختارهای سازمانی کمتر منعطف، الزامات زمان‌بندی و محدودیت‌های صنعتی محیط‌های کاری ممکن است با ویژگی‌های شخصیتی آنها سازگار نباشد و همین امر موجب کاهش حضور آنها در بازار کار طراحی صنعتی شود.

از این رو، نتایج حاضر بیش از آنکه بیانگر برتری یا ضعف یک تیپ خاص باشند، نشان‌دهنده ضرورت توجه بیشتر به تنوع تیپ‌های شخصیتی در فرایند آموزش، هدایت تحصیلی و طراحی مسیرهای شغلی هستند. همچنین، ضرورت بررسی عمیق‌تر علل این شکاف را برجسته می‌سازد؛ به‌ویژه از طریق پژوهش‌های آینده که با نمونه‌های گسترده‌تر، روش‌های ترکیبی دقیق‌تر و بررسی نقش میانجی‌گر متغیرهایی مانند فرهنگ سازمانی و سیستم آموزش طراحی انجام شوند.

صنایع و محیط‌های حرفه‌ای طراحی صنعتی، برای بهره‌گیری مؤثرتر از ظرفیت افراد با تیپ‌های شخصیتی خلاق، می‌توانند شرایط سازمانی و فرایندهای کاری خود را انعطاف‌پذیرتر کنند؛ از جمله با کاهش تمرکز صرف بر ساختارهای خشک و سلسله‌مراتبی، ایجاد فرصت برای مشارکت در ایده‌پردازی و تصمیم‌سازی، به‌رسمیت شناختن سبک‌های متفاوت حل مسئله، و فراهم کردن فضاهایی که در آن خلاقیت، آزمون و خطا و تولید ایده‌های بدیل ارزشمند تلقی شود. همچنین بازنگری در شیوه‌های ارزیابی عملکرد، زمان‌بندی پروژه‌ها، ترکیب تیم‌های کاری و نحوه تعامل میان طراحان، مدیران و واحدهای فنی می‌تواند به تطبیق بهتر محیط کار با تنوع شناختی و شخصیتی منجر شود. در چنین چارچوبی، نه‌تنها زمینه ماندگاری و رضایت شغلی طراحان افزایش می‌یابد، بلکه امکان تبدیل ظرفیت‌های خلاقانه به خروجی‌های کاربردی و نوآورانه نیز بیشتر خواهد شد.

در حوزه آموزش طراحی صنعتی نیز پیشنهاد می‌شود برنامه‌های درسی، شیوه‌های تدریس و سازوکارهای هدایت تحصیلی به‌گونه‌ای بازنگری شوند که تنوع سبک‌های شناختی، یادگیری و حل مسئله دانشجویان را به رسمیت بشناسند. این امر می‌تواند از طریق به‌کارگیری روش‌های آموزشی متنوع و نیز فراهم کردن امکان انتخاب موضوع یا نقش متناسب با علایق و توانمندی‌های دانشجویان تحقق یابد. همچنین، ارائه بازخوردهای چندبعدی — فراتر از ارزیابی صرف خروجی نهایی — و توجه هم‌زمان به فرایند تفکر، خلاقیت، تحلیل فنی، همکاری تیمی و درک نیازهای کاربر، می‌تواند فرصت بروز توانمندی‌های طیف گسترده‌تری از دانشجویان را فراهم سازد. البته لازم است، این بازنگری‌ها تنها به محتوای درسی محدود نماند، بلکه ساختارهای اجرایی آموزش، زمان‌بندی، شیوه تعامل استاد و دانشجو و منطق ارزیابی عملکرد را نیز دربر گیرد. در بسیاری از محیط‌های آموزشی، هنوز الگوهای نسبتاً خشک و یکدست، مانند روابط پررنگ استاد-شاگردی، تأکید بر تبعیت از روندهای ازپیش‌تعیین‌شده، ارزیابی‌های عمدتاً

نمره‌محور، و برگزاری کلاس‌ها در زمان‌بندی‌های ثابت و غیرمنعطف، مبنای سنجش پیشرفت دانشجو قرار می‌گیرند. از این رو، مناسب است نظام آموزش طراحی صنعتی به سمت الگوهای منعطف‌تری حرکت کند؛ الگوهایی که در آن‌ها تنها انضباط زمانی صوری یا تبعیت از یک الگوی واحد رفتاری معیار قضاوت نباشد، بلکه کیفیت فرایند طراحی، رشد ایده، توانایی حل مسئله، عمق تحلیل، و مسیر تحول پروژه نیز در ارزیابی دانشجو لحاظ شود. این بازنگری می‌تواند شامل متنوع‌سازی شیوه‌های حضور و مشارکت، کاهش اتکای صرف به نمره‌های مقطعی، توجه بیشتر به فرایند شکل‌گیری ایده، امکان طراحی بخشی از فعالیت‌ها به صورت منعطف‌تر، و ایجاد فرصت برای بروز توانمندی‌های متفاوت دانشجویان در قالب‌های گوناگون باشد. در چنین شرایطی، آموزش طراحی صنعتی بهتر می‌تواند پذیرای تنوع شخصیت‌ها و سبک‌های شناختی باشد و از حذف یا به‌حاشیه‌رفتن دانشجویانی که لزوماً با قالب‌های رسمی، خطی و زمان‌مند آموزش هماهنگ نیستند، جلوگیری کند.

در کنار این موارد، تقویت ارتباط دانشگاه با صنعت از طریق پروژه‌های مشترک، کارآموزی هدایت‌شده و حضور متخصصان حرفه‌ای در فرایند آموزش، به دانشجویان کمک می‌کند تا ضمن حفظ ظرفیت‌های فردی و خلاقانه خود، با الزامات واقعی حرفه طراحی صنعتی نیز آشنا شوند. چنین رویکردی می‌تواند تنوع شناختی و رفتاری را به منبعی برای ارتقای نوآوری، غنای فرایند تفکر طراحی و توسعه محصولات کاربرمحورتر تبدیل کند.

با وجود دقت در طراحی و اجرای پژوهش، برخی محدودیت‌ها باید در تفسیر نتایج مدنظر قرار گیرند. نخست آنکه نمونه‌گیری به صورت در دسترس انجام شد؛ بنابراین، تعمیم‌پذیری یافته‌ها به کل جمعیت دانشجویان، دانش‌آموختگان و شاغلان طراحی صنعتی با احتیاط باید صورت گیرد. دوم، داده‌های پژوهش بر پایه خودگزارشی مشارکت‌کنندگان گردآوری شد و از این رو، احتمال تأثیر سوگیری‌های ناشی از ادراک شخصی، تمایل به پاسخ‌دهی مطلوب اجتماعی و تفاوت در درک مفاهیم تیپ‌شناختی وجود دارد. سوم، زمینه فرهنگی و آموزشی پژوهش نیز می‌تواند بر شکل‌گیری ترجیحات شخصیتی، انتخاب رشته و مسیر حرفه‌ای افراد اثرگذار بوده باشد؛ از این رو، نتایج حاضر بیش از آنکه بازتابی جهان‌شمول از الگوی تیپ‌های شخصیتی طراحان باشد، باید در چارچوب بافت فرهنگی و حرفه‌ای مورد مطالعه تفسیر شود. افزون بر این، ماهیت مقطعی پژوهش امکان بررسی تغییرات تیپ‌های شخصیتی در طول زمان یا در مراحل مختلف رشد حرفه‌ای را فراهم نمی‌کند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از نمونه‌های بزرگ‌تر و متنوع‌تر، روش‌های ترکیبی کمی و کیفی، و طراحی‌های طولی استفاده شود تا نقش متغیرهای فردی، آموزشی و زمینه‌ای در شکل‌گیری و تداوم این الگوها با دقت بیشتری بررسی گردد.

همچنین، یکی از یافته‌های ثانویه اما حائز اهمیت این پژوهش، مشاهده تمایل تیپ‌های شخصیتی مختلف به حوزه‌های تخصصی متفاوت طراحی صنعتی است. اگرچه در این پژوهش تلاش شد تا این ارتباطات اولیه گزارش شود، اما پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، با استفاده از روش‌های کمی و نمونه‌های آماری بزرگ‌تر، این رابطه به‌طور سیستماتیک واکاوی شود تا مشخص گردد آیا تیپ‌شناسی شخصیتی می‌تواند یک پیش‌بینی‌کننده برای تخصص‌گرایی در زیرشاخه‌های طراحی (مانند طراحی محصول، مبلمان یا سیستم‌های پیچیده) باشد یا خیر.

تقدیر و تشکر

از تمامی افرادی که در تکمیل پرسشنامه‌ها و شرکت در مصاحبه‌ها همکاری کردند، قدردانی می‌شود.



Kunrath et al.^۱

Hemdan et al.^۲

VarastehNezhad et al.^۳

Chiang et al.^۴

World Design Organization^۵

^۱ I: درون‌گرایی (Introversion)؛ E: برون‌گرایی (Extraversion)؛ S: حسی (Sensing)؛ N: شهودی (Intuition)؛ T: منطقی/تفکری (Thinking)؛ F:

احساسی (Feeling)؛ J: قضاوت‌گر (Judging)؛ و P: ادراکی (Perceiving). بر این اساس، کدهای چهارحرفی مانند INTJ، ISFJ، ISTJ، INFJ، ISTP،

ISFP، ENTP، ESTJ، ESFJ، ENFJ و ENTJ شکل می‌گیرند.

^۷ Temperament

^۸ David Keirsey

^۹ Goldschmidt

منابع:

- ابرازه، مهدی، زاده محمدی، علی و شایگانفر، نادر. (۱۳۹۶). تعیین رابطه میان ویژگیهای شخصیتی، خلاقیت و خودشکوفایی در دانشجویان رشته طراحی صنعتی: نقش تفاوت جنسیتی. *نشریه هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی*. ۲۲(۴)، ۱۱۵-۱۲۴.
<https://doi.org/10.22059/jfava.2017.64032>
- پورصابری رقیه، یعقوبی بگلر نرگس. (۱۳۹۷). بررسی نقش تیپهای شخصیتی مایرز/بریگز در پیش‌بینی تعلل‌ورزی تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز. *دوماهنامه علمی- پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*. ۱۱(۱)، ۱۱۸-۱۲۵.
<https://doi.org/10.29252/edcbmj.11.01.15>
- تقفی، محمد جواد و طاهری سیاح، فاطمه. (۱۳۹۶). معماری و MBTI؛ بررسی شیوه استفاده از شخصیت‌شناسی و ویژگی‌های شخصیتی کاربر فضا در طراحی مسکن. *نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی*. ۲۲(۱)، ۷۵-۸۸.
<https://doi.org/10.22059/jfaup.2017.62267>
- سلیمانی، بهزاد و بارانی، مهشید. (۱۴۰۴). پژوهشی در باب نیاز در فرایند طراحی از منظر اخلاق نتیجه‌گرا: مطالعه‌ی نسبت سودمندی و لذت‌بخشی. *نشریه هنرهای کاربردی*. ۵(۱)، ۲۹-۴۴.
<https://doi.org/10.22075/aaaj.2024.34389.1252>
- Aydemir Dev, M., & Bayram Arlı, N. (2025). The role of personality traits and decision-making styles in career decision-making difficulties. *Behavioral Sciences*, 15(2), 159.
<https://doi.org/10.3390/bs15020159>
- Baxter, M. (2018). *Product design*. CRC Press.
- Brosens, L. (2020). *Self-regulating soft skills in group project-based design education*. In Companion proceedings of the 2020 ACM international conference on supporting group work (pp. 1-5). ACM. <https://doi.org/10.1145/3323994.3371013>
- Carr, P. G., De La Garza, J. M., & Vorster, M. C. (2002). Relationship between personality traits and performance for engineering and architectural professionals providing design services. *Journal of Management in Engineering*, 18(4), 158-166. [https://doi.org/10.1061/\(ASCE\)0742-597X\(2002\)18:4\(158\)](https://doi.org/10.1061/(ASCE)0742-597X(2002)18:4(158))
- Cesinger, B., & Dittenberger, S. (2025). Shaping entrepreneurial design identity in design education. *She Ji: The Journal of Design, Economics, and Innovation*, 11(1), 61-75.
<https://doi.org/10.1016/j.sheji.2025.01.003>
- Cheng, F. F., Wu, C. S., & Su, P. C. (2021). The impact of collaborative learning and personality on satisfaction in innovative teaching context. *Frontiers in Psychology*, 12, 713497.
<https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.713497>
- Chiang, Y.-H., Hsu, C.-C., & Shih, H.-A. (2017). Extroversion personality, domain knowledge, and the creativity of new product development engineers. *Creativity Research Journal*, 29(4), 387-396. <https://doi.org/10.1080/10400419.2017.1376501>
- Eshete, S. K., Debela, K. L., & Kebede, T. A. (2025). Personality and workplace employees' performance: A systematic review. *Journal of Innovation and Entrepreneurship*, 14, 131.
<https://doi.org/10.1186/s13731-025-00602-9>

- Goldschmidt, G. (2019). Design creativity research: Recent developments and future challenges. *International Journal of Design Creativity and Innovation*, 7(4), 194–195. <https://doi.org/10.1080/21650349.2019.1646387>
- Goo, C.-L., Leow, M.-C., & Ong, L.-Y. (2025). Analyzing course selection by MBTI personality types. *International Journal on Informatics Visualization*, 9(1), 29–37. <http://dx.doi.org/10.62527/joiv.9.1.2937>
- Hemdan, J. T., Taha, D. S., & Cherif, I. A. (2023). Relationship between personality types and creativity: A study on novice architecture students. *International Journal of Business and Technology Management*, 6(S2), 397–412. <https://doi.org/10.1016/j.aej.2022.09.041>
- Ji, W., Sang, C., Zhang, X., Zhu, K., & Bo, L. (2022). Personality, preoperative anxiety, and postoperative outcomes: A review. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(19), 12162. <https://doi.org/10.3390/ijerph191912162>
- Kang, W., Guzman, K. L., & Malvaso, A. (2023). Big Five personality traits in the workplace: Investigating personality differences between employees, supervisors, managers, and entrepreneurs. *Frontiers in Psychology*, 14, 976022. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.976022>
- Karaca, K. E. (2022). *Collaboration between engineers and industrial designers in meeting packaging constraints: A case from defense industry* [Master's thesis, Middle East Technical University]. Ankara, Turkey.
- Keirsey, D. (1998). *Please Understand Me II: Temperament, Character, Intelligence*. Prometheus Nemesis Book Company.
- Kunrath, K., Cash, P., & Kleinsmann, M. (2020). Social- and self-perception of designers' professional identity. *Journal of Engineering Design*, 31(2), 100–126. <https://doi.org/10.1080/09544828.2019.1676883>
- Lawson, B. (2006). *How designers think*. Routledge.
- Lee, S. (2022). A study on relationship between MBTI personality tendency and Holland personality type. In *Economic and social development: Book of proceedings* Retrieved from https://www.bib.irb.hr:8443/1241884/download/1241884.Book_of_Proceedings_esdPorto2022Online.pdf#page=132
- Meneely, J., & Portillo, M. (2005). The adaptable mind in design: Relating personality, cognitive style, and creative performance. *Creativity Research Journal*, 17(2–3), 155–166. <https://doi.org/10.1080/10400419.2005.9651476>
- Myers, I. B. (1962). *The Myers-Briggs type indicator*. Consulting Psychologists Press.
- Sample, J. (2017). A review of the Myers-Briggs Type Indicator in public affairs education. *Journal of Public Affairs Education*, 23(4), 979–992. <https://doi.org/10.1080/15236803.2017.12002300>

Scattolin, M. A. D. A., Resegue, R. M., & Rosário, M. C. D. (2022). The impact of the environment on neurodevelopmental disorders in early childhood. *Jornal de Pediatria*, 98(Suppl 1), 66–72. <https://doi.org/10.1016/j.jped.2021.11.002>

The Myers-Briggs Company. (2018). *MBTI® global manual supplement – United States (North American English)*. <https://www.themyersbriggs.com/-/media/Myers-Briggs/Files/Manual-Supplements/MBTIGlobalManualSuppUS.pdf>

VarastehNezhad, A., Agahi, B., Elyasi, S., Tavasoli, R., & Farbeh, H. (2025). How Jungian cognitive functions explain MBTI type prevalence in computer industry careers. *arXiv*. <https://doi.org/10.48550/arXiv.2504.17248>

World Design Organization. (2015). *Definition of industrial design*. <https://wdo.org/about/definition/>

Yifan, P., Hashim, H., & Said, N. E. M. (2024). Relationship between extroversion personality and learning strategy based on MBTI test. *Rupkatha Journal on Interdisciplinary Studies in Humanities*, 16(2), 1–22. <https://doi.org/10.21659/rupkatha.v16n2.02g>

A Study on MBTI Personality Types in Industrial Designers

Abstract:

Industrial design is an inherently interdisciplinary field that integrates art, technology, and human-centered thinking to develop products. The professional identity of a designer evolves over time through formal learning, hands-on experience, and engagement in real-world projects. Success in this developmental process depends not only on technical skills but also on the designer's inherent and acquired personality traits, which guide decision-making, creativity, planning, and problem-solving. The relationship between personality and professional identity in industrial designers is dynamic, evolving from formal education through professional practice.

Despite extensive research on personality in general, relatively few studies have explored personality characteristics specifically within design practice. Understanding this relationship is critical because personality traits can influence not only creativity and idea generation but also career progression, job satisfaction, and alignment between individual preferences and professional roles. The present study investigates the association between MBTI personality types and career trajectories in industrial design. Applying this typology helps designers and students better understand their individual approaches to design challenges.

Personality is a relatively stable yet flexible structure that guides an individual's cognitive, emotional, and behavioral patterns across situations. Research indicates that

environmental factors—including upbringing, educational experiences, cultural backgrounds, and professional contexts—also play key roles in shaping personality. In the MBTI model, each personality type is represented by a four-letter code resulting from four dichotomous dimensions.

The energy-orientation dimension, comprising Extraversion (E) and Introversion (I), reflects the primary source of an individual's psychological energy. Extraverts tend to be socially active and oriented toward immediate action, whereas introverts are more reflective, cautious, and require time for internal processing. In industrial design, this distinction may influence how individuals approach problem-solving and idea generation.

The information-gathering dimension, consisting of Sensing (S) and Intuition (N), describes how people prefer to collect and interpret environmental information. Sensing individuals rely on concrete facts and direct experience, while intuitive individuals focus on patterns, implicit meanings, and future possibilities. In industrial design, sensing types may excel in practical, implementation-oriented design stages, whereas intuitive types may be more effective in free ideation, future-oriented design, and innovative solution-finding.

The decision-making dimension, with Thinking (T) and Feeling (F) preferences, concerns how individuals evaluate information. Thinking-oriented individuals rely on objective analysis and consistent principles, while feeling-oriented individuals prioritize personal values, empathy, and the interpersonal impact of decisions. In industrial design, thinking-type designers may be more inclined toward technical analysis and product-efficiency optimization, while feeling-type designers may emphasize users' emotional experience, empathetic aesthetics, and meaningful design.

The lifestyle dimension, encompassing Judging (J) and Perceiving (P) tendencies, refers to how individuals organize their relationship with the external world. Judging individuals prefer structure, planning, and clear organization, while perceiving individuals are more flexible, open to new experiences, and inclined to keep decisions open. In industrial design, judging types may perform better in organizing design processes, managing project phases, and establishing design standards. Perceiving types may be more effective in discovering innovative solutions, adapting design directions, and responding to changing user needs.

The study was conducted in two phases. In the first phase, the MBTI questionnaire was administered to 385 participants, including current students and graduates of industrial design programs. In the second phase, semi-structured interviews were conducted with a subset of participants actively employed in industrial design. These interviews explored the nature and extent of participants' engagement in design activities, their preferred stages in the design process, and the types of projects they found most interesting. The goal was to identify relationships between MBTI personality types, specific design roles, and areas of professional engagement.

Comparative analysis revealed notable differences in personality type distributions between the student sample and practicing designers. Among students, creative-oriented types such as ENFP, INFP, and INFJ were dominant, characterized by strong tendencies toward ideation, intuition, abstract thinking, and flexibility. However, among employed designers, INTJ and ISTJ types were more prevalent, prioritizing planning, structure, organization, analytical thinking, and logical decision-making.

This shift suggests that while creative personality types—particularly those with intuitive (N) and feeling (F) preferences—have high potential for innovation and idea generation, the realities of professional practice often conflict with their natural preferences. Rigid organizational structures, stringent deadlines, and industrial constraints may create a mismatch between these individuals' tendencies and the demands of the workplace. Consequently, many highly creative individuals may remain underrepresented in the industrial design labor market despite their considerable potential.

These findings underscore the need for further investigation into the causes of this gap. Future research should employ larger samples, more rigorous mixed-method designs, and examine mediating variables such as organizational culture, work environment, and design education systems. Furthermore, the results highlight the importance of revising industrial design curricula and fostering more flexible, supportive work environments. Promoting cognitive and behavioral diversity among designers can enhance innovation, improve the quality of design thinking, and ultimately lead to the development of more user-centered products.

Keywords: Personality Type, Designer, MBTI, Industrial Design, Professional Practice